هجرت تاریخی امام خمینی از عراق به پاریس



مقدمه

سیزدهم مهرماه مصادف با سالروز هجرت تاریخی امام خمینی از نجف اشرف به پاریس در سال ۱۳۵۷ است. این رویداد که در اوج‌گیری مبارزات مردمی علیه رژیم پهلوی رخ داد، نقطه عطفی در مسیر انقلاب اسلامی محسوب می‌شود. فشارهای هماهنگ رژیم شاه و دولت بعث عراق برای محدود کردن فعالیت‌های امام، به جای منزوی ساختن ایشان، فرصتی بی‌سابقه برای ارتباط مستقیم با رسانه‌های جهانی و مردم ایران فراهم آورد. اقامت حدود ۱۱۷ تا ۱۲۰ روزه امام در دهکده نوفل‌لوشاتو در حومه پاریس، این مکان کوچک را به مرکز خبری جهان و پایگاه رهبری انقلاب تبدیل کرد.

زمینه‌ها

امام خمینی از سال ۱۳۴۴ در نجف اقامت داشتند. با اوج‌گیری انقلاب در ایران در سال ۱۳۵۷ و عادی شدن نسبی روابط ایران و عراق، رژیم پهلوی فشار شدیدی بر دولت بعث وارد کرد. از اواخر مرداد و به‌ویژه از اوایل مهر، منزل امام در نجف توسط نیروهای امنیتی عراق محاصره شد. رفت‌وآمدها کنترل گردید و مقامات عراقی از امام خواستند از مصاحبه، صدور اعلامیه، سخنرانی سیاسی و هرگونه فعالیت مرتبط با ایران خودداری کند. در مذاکرات، مقامات عراقی دو گزینه پیش روی امام گذاشتند: یا فعالیت سیاسی را کنار بگذارد و در عراق بماند، یا کشور را ترک کند. امام قاطعانه پاسخ دادند که تکلیف شرعی خود را رها نمی‌کنند. ایشان بعدها روایت کردند: «آن‌ها گفتند چون ما تعهداتی با دولت ایران داریم و کارهای شما مخالف آن تعهدات است، نمی‌توانیم تحمل کنیم. من جواب دادم من که تعهدی ندارم، شما تعهد دارید. من یک تکلیف شرعی دارم، عمل می‌کنم.» این محدودیت‌ها، همراه با تهدید نسبت به اطرافیان، امام را به تصمیم خروج واداشت. هدف اولیه، رفتن به یک کشور اسلامی مانند سوریه بود.

تلاش برای ورود به کویت

صبح روز ۱۲ مهر ۱۳۵۷ (پس از نماز صبح)، امام به همراه حاج سیداحمد خمینی و چند تن از یاران، با چند خودرو نجف را به مقصد مرز کویت ترک کردند. مأموران عراقی تا مرز آنان را اسکورت کردند. با وجود داشتن ویزا، مقامات کویت تحت فشار رژیم ایران از ورود جلوگیری کردند و حتی اجازه عبور به فرودگاه را ندادند. کاروان ناچار به بصره بازگشت. شب را در بصره گذراندند. در این شرایط دشوار، پس از مشورت با حاج سیداحمد خمینی، تصمیم به عزیمت به پاریس گرفته شد. امام خود تأکید داشتند که رفتن به پاریس از پیش برنامه‌ریزی‌شده نبود و صرفاً به دلیل احتمال ممانعت کشورهای اسلامی (که تحت نفوذ شاه بودند) انتخاب گردید. ایشان بارها این رویداد را مشیت الهی دانستند و در وصیت‌نامه سیاسی-الهی خود تصریح کردند که ادعای برخی افراد مبنی بر نقش‌آفرینی در این تصمیم، نادرست است و انتخاب پاریس پس از مشورت با فرزندشان صورت گرفته است.

سفر به بغداد و پرواز به پاریس

روز ۱۳ مهر، امام و همراهان با هواپیما به بغداد منتقل شدند و شب را در هتلی در آنجا گذراندند. صبح ۱۴ مهر ۱۳۵۷، با هواپیمای بوئینگ از بغداد به سوی پاریس پرواز کردند. سه مأمور امنیتی عراقی نیز همراه بودند. ساعت ۱۴:۲۰ به وقت محلی (۱۶:۵۰ به وقت تهران) در فرودگاه اورلی پاریس فرود آمدند.

امام پیش از پرواز یا در مسیر، پیامی به ملت ایران با این مضمون صادر کردند: «اکنون که من به ناچار باید ترک جوار مولا امیرالمؤمنین علیه‌السلام را نمایم و در کشورهای اسلامی دست خود را برای خدمت به شما ملت محروم باز نمی‌بینم و از ورود به کویت با داشتن اجازه ممانعت نمودند، به سوی فرانسه پرواز می‌کنم. پیش من مکان معینی مطرح نیست، عمل به تکلیف الهی مطرح است، مصالح عالیه اسلام و مسلمین مطرح است. ما و شما امروز که نهضت اسلامی به مرتبه بسیار حساس رسیده است مسئول هستیم، اسلام از ما انتظار دارد.». خبر ورود امام را خبرگزاری فرانسه به جهان مخابره کرد و روزنامه‌های ایران نیز آن را منعکس نمودند.

استقرار در پاریس و انتقال به نوفل‌لوشاتو

امام ابتدا در آپارتمانی در پاریس (مربوط به یکی از هواداران) مستقر شدند. نمایندگان کاخ الیزه همان شب پیام رئیس‌جمهور فرانسه (والری ژیسکاردستن) را ابلاغ کردند که «حق ندارید کوچک‌ترین کاری انجام دهید». امام قاطعانه پاسخ دادند که محدودیت با ادعای دموکراسی فرانسه سازگار نیست و حاضرند از فرودگاهی به فرودگاه دیگر سرگردان باشند تا صدای مظلومان را به دنیا برسانند. به دلیل ازدحام و مزاحمت برای همسایگان، دو روز بعد به دهکده نوفل‌لوشاتو (حدود ۳۵ کیلومتری جنوب‌غربی پاریس) نقل مکان کردند. ابتدا در خانه متعلق به همسر یکی از دانشجویان ایرانی (علی عسکری) اقامت گزیدند. بعدها سه خانه در اختیار قرار گرفت: یکی برای امام و خانواده، یکی برای ملاقات‌ها و نماز جماعت، و یکی برای مهمانان. امام به دلیل قصد اقامت کوتاه (و نیت بازگشت هرچه زودتر به ایران)، نماز را شکسته می‌خواندند و گفته شده گاهی برای تکمیل مسافت شرعی به مکان‌هایی مانند ورسای می‌رفتند. نوفل‌لوشاتو به سرعت به مرکز توجه جهانی تبدیل شد. صدها خبرنگار، عکاس و بازدیدکننده هر روز آنجا جمع می‌شدند. درخت سیبی در حیاط که امام زیر آن می‌نشستند و مصاحبه می‌کردند، به نماد این دوره تبدیل شد.

برنامه روزانه امام در نوفل‌لوشاتو

امام روزانه حدود ۱۶ ساعت کار می‌کردند و تنها ۴ تا ۶ ساعت استراحت داشتند. برنامه تقریبی روزانه چنین بود: پس از نماز صبح قرائت قرآن، مطالعه گزارش‌ها و اخبار ایران (که توسط گروهی از دانشجویان ترجمه و آماده می‌شد)، پاسخ به نامه‌ها و تلگرام‌های رسیده از سراسر جهان، مصاحبه‌ها و مذاکرات در طول روز، نماز جماعت ظهر در خانه شماره ۲، استراحت کوتاه پس از ناهار، ادامه کار تا نماز مغرب و عشاء، سخنرانی یا ادامه ملاقات‌ها تا نیمه‌شب، سخنرانی‌ها ابتدا هر شب، سپس هفته‌ای دو بار و بعداً در شب‌های جمعه و بعدازظهرهای یکشنبه برگزار می‌شد. بسیاری از سخنرانی‌ها زیر چادری در حیاط انجام می‌گرفت.

امام خمینی در مدت اقامت در فرانسه ۶۵ سخنرانی در تبیین مواضع انقلاب، نقد رژیم شاه و ترسیم آینده، بیش از ۱۱۷ مصاحبه با رسانه‌های بین‌المللی (برخی منابع نزدیک به ۲۰۰ مورد را ذکر کرده‌اند). نخستین مصاحبه‌های مهم با روزنامه فیگارو راه را برای پوشش گسترده باز کرد. این مصاحبه‌ها سانسور رژیم شاه را بی‌اثر ساخت و پیام انقلاب را مستقیم به مردم ایران و افکار عمومی جهان رساند، چنان که ۴۱ پیام و ده‌ها نامه نیز از ایشان صادر شد.

دیدارهای گسترده، از دیگر برنامه‌های امام بود. ایشان با شخصیت‌های سیاسی ایرانی، روحانیون، دانشجویان و نمایندگان خارجی دیدار داشتند. شرط اصلی امام برای پذیرش ملاقات‌ها، اعلام صریح نفی سلطنت و رژیم شاه بود. پیشنهادهایی مانند باقی ماندن شاه به عنوان نماد (ازسوی برخی میانه‌روها) رد می‌شد. همچنین هماهنگی اعتصاب‌ها (از جمله تشکیل کمیته‌های مرتبط با سوخت و تنظیم اعتصابات)، رهنمودهای مستمر برای تداوم مقاومتُ از دیگر کارهای روزمره امام بود. چنان که تشکیل شورای انقلاب نیز در همین مدت تعیین شد. هسته اولیه شورای انقلاب در آذر ۱۳۵۷ با مشورت شخصیت‌هایی مانند آیت‌الله مطهری شکل گرفت. گروه پنج‌نفره اولیه شامل آیات مطهری، بهشتی، موسوی اردبیلی، باهنر و هاشمی رفسنجانی بود و بعدها به تعداد آن افزوده شد. امام در ۱۴ آبان بر تسریع معرفی اعضا تأکید کرد و در ۲۲ دی ۱۳۵۷ تشکیل رسمی شورای انقلاب را اعلام نمود. این شورا مأموریت داشت مقدمات دولت انتقالی را فراهم کند.

دستاوردها و پیامدهای هجرت

دستاوردهای هجرت امام به پاریس در چند مورد حوزه قابل ذکر است.

۱. شکستن دیوار سانسور و جهانی‌شدن پیام. نوفل‌لوشاتو به مهم‌ترین مرکز خبری جهان تبدیل شد. پیام‌های امام لحظه به لحظه به ایران می‌رسید و رژیم شاه را در انزوا قرار داد.

۲. شتاب بی‌سابقه به پیروزی انقلاب. بسیاری از تحلیل‌گران معتقدند این هجرت پیروزی را ماه‌ها جلو انداخت. پوشش رسانه‌ای گسترده، حمایت افکار عمومی بین‌المللی را افزایش داد و محاسبات رژیم را وارونه کرد.

۳. تقویت رهبری و هماهنگی داخلی. ارتباط مستقیم و سریع با نیروهای داخل کشور، امکان هدایت منسجم اعتصاب‌ها، تظاهرات و تشکیل نهادهای انقلابی را فراهم ساخت.

۴. خنثی‌سازی توطئه‌های محدودسازی. تلاش شاه و عراق برای منزوی کردن امام، به فرصتی استراتژیک بدل شد. حتی رئیس‌جمهور فرانسه در مقطعی قصد اخراج امام را داشت، اما از واکنش‌ها هراسید.

۵. تبیین روشن مواضع آینده. در این دوره، مبانی جمهوری اسلامی، استقلال و ساختار حکومت پس از سقوط شاه با وضوح بیشتری بیان شد و مسیر انتقال قدرت هموار گردید.

نتیجه‌گیری

هجرت امام خمینی از عراق به پاریس در مهر ۱۳۵۷، نمونه‌ای روشن از تبدیل تهدید به فرصت تاریخی بود. آنچه برای محدود کردن صدای امام طراحی شده بود، به ابزاری قدرتمند برای رساندن پیام انقلاب به جهان تبدیل شد. اقامت پربار در نوفل‌لوشاتو نه تنها رهبری انقلاب را تقویت کرد، بلکه مسیر پیروزی نهایی در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ را هموار ساخت. این رویداد یادآور آن است که در بزنگاه‌های تاریخی، توکل، قاطعیت و عمل به تکلیف می‌تواند معادلات قدرت را دگرگون کند و مشیت الهی را آشکار سازد.

روحانیت و ضرورت بازیابی مرجعیت اجتماعی

مقدمه

روحانیت شیعه در دوران غیبت کبری، دو مسئولیت موازی و مکمل را بر دوش داشته است، یکی مرجعیت دینی (استنباط احکام، تبیین معارف و هدایت شرعی از طریق اجتهاد و تقلید) و دیگری مرجعیت یا ملجئیت اجتماعی (نقش پناهگاه، میانجی، مشاور و حامی مردم در مسائل روزمره زندگی). این دو بُعد، هویت تاریخی نهاد روحانیت را شکل داده و سرمایه اجتماعی و نمادین آن را تأمین کرده است. ملجئیت اجتماعی به این معنا بود که مردم در مشکلات خانوادگی، اختلافات محلی، مسائل معیشتی، ظلم حاکمان محلی و حتی بحران‌های ملی، به عالم دینی مراجعه می‌کردند و او را نه صرفاً مفتی احکام، بلکه مرجع حل مشکل و پناهگاه می‌دانستند. این نقش در طول تاریخ، از طریق شبکه مساجد، حسینیه‌ها، حوزه‌های علمیه محلی، وکلای مراجع و پیوند با بازار و اصناف تحقق می‌یافت. اما امروزه شواهد متعددی از تضعیف این بُعد اجتماعی حکایت دارد: کاهش مراجعه برای میانجی‌گری اختلافات، فاصله نسلی، رقابت با نهادهای رسمی و مراجع غیررسمی جدید، و کاهش اعتماد نسبی در بخش‌هایی از جامعه نشانه‌های به شمار می‌رود. این تضعیف، بخشی به تحولات پرشتاب جهانی است و بخشی به عوامل سیاسی و عملکردی درون نهاد روحانیت.

تاریخچه دوگانه مرجعیت دینی و اجتماعی

با رسمیت یافتن تشیع در ایران توسط صفویان، علما از حاشیه به مرکز آمدند. مناصبی مانند شیخ‌الاسلام، صدر و ملاباشی ایجاد شد و علما در ساختار حکومتی جایگاه یافتند. این نزدیکی، اگر چه امکان گسترش معارف شیعی، تأسیس مدارس و مدیریت اوقاف را فراهم کرد، اما استقلال نسبی نهاد روحانیت را محدود ساخت. در اواخر صفویه، با ضعف شاهان، قدرت اجتماعی علما افزایش یافت و آنان به عنوان واسطه میان مردم و حکومت عمل کردند. سرمایه معرفتی علما (دانش فقهی و حدیثی) به تدریج به اعتبار اجتماعی و سپس به ظرفیت میانجی‌گری تبدیل شد.

پس از فروپاشی صفویه و دوره‌های ناپایدار افساریه و زندیه، در عصر قاجار روحانیت با بازتعریف موقعیت خود، استقلال از حکومت و نزدیکی به نیروهای اجتماعی را تقویت کرد. ویژگی کلیدی مرجعیت شیعه در این دوره، استقلال مالی مبتنی بر وجوهات شرعی و اوقاف بود که آن را از وابستگی به دولت رها می‌ساخت. این استقلال، همراه با پیوند عمیق با بازار (اتحاد مدرسه، مسجد، بازار)، شبکه وکلا و حوزه‌های محلی، قدرت اجتماعی بی‌سابقه‌ای ایجاد کرد که نمونه‌های به قرار زیر بود.

۱. میانجی‌گری و حل اختلافات. علما در سطح محلی به عنوان قاضی غیررسمی و حکم عمل می‌کردند. مردم اختلافات خانوادگی، ملکی و تجاری را پیش از مراجعه به محاکم دولتی، نزد مجتهد محل می‌بردند.

۲. حمایت از مردم در برابر ظلم. علما صدای مردم در برابر حاکمان محلی مستبد بودند. نمونه بارز آن قدرت میرزای شفتی در اصفهان است که حاکم شهر ناچار به احترام و مراجعه به او بود.

۳. نقش در بحران‌های ملی. فتوای میرزای شیرازی در تحریم تنباکو (۱۲۷۰/۱۸۹۱ ش) نشان‌دهنده ظرفیت بسیج اجتماعی مرجعیت بود. این فتوا از طریق شبکه روحانیت، مساجد و بازار در سراسر کشور منتشر شد و یکی از موفق‌ترین نمونه‌های بسیج اجتماعی تاریخ معاصر ایران را رقم زد. مرجعیت در این دوره نه تنها دینی، بلکه نیروی اجتماعی-سیاسی مؤثر بود که در انقلاب مشروطه نیز رهبری مبارزه با استبداد را بر عهده گرفت.

در این دوره، مرجعیت از حالت محلی و منطقه‌ای به سمت مرجعیت عامه و متمرکز حرکت کرد (مانند نقش میرزای شیرازی و سپس آخوند خراسانی). تمرکز اقتدار علمی، مالی و اجتماعی در یک یا چند مرجع برجسته، امکان تأثیرگذاری ملی را فراهم ساخت.

سپس در دوره رضاشاه، تلاش برای تضعیف نهاد دین و محدود کردن اوقاف و لباس روحانیت صورت گرفت، اما حوزه‌های علمیه به‌ویژه با احیای حوزه قم توسط حاج شیخ عبدالکریم حائری، استقلال خود را حفظ کردند. در دوره پهلوی دوم نیز مرجعیت مانند آیت‌الله بروجردی با حفظ فاصله نسبی از قدرت، نقش اجتماعی خود را ادامه داد و شبکه‌های بین‌المللی شیعه را تقویت کرد.

وضعیت کنونی

با پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام مبتنی بر ولایت فقیه، روحانیت از نهاد مدنی مستقل به بخشی از ساختار سیاسی-حکومتی تبدیل شد. این تحول، در کوتاه‌مدت نفوذ را افزایش داد و روحانیت را در تمامی امور سیاسی و اجتماعی و گاه حتی در امور غیر مرتبط در صدر نشاند اما در بلندمدت به «از جا کندگی» نسبی منجر گردید. برخی نقش‌های پیشین مانند میانجی‌گری غیررسمی، موضوعیت خود را از دست دادند یا به نهادهای رسمی واگذار شدند. از این رو، کاهش مراجعه مردم برای حل اختلافات خانوادگی و اجتماعی (جایگزینی با دادگاه‌ها، مشاوران رسمی و روانشناسان). گزارش‌هایی از کمبود امام جماعت در بخش قابل توجهی از مساجد با وجود تعداد بالای روحانیون. تغییر الگوی دینداری مثل ظهور دینداری‌های شخصی، خوداجتهادی و غیرنهادی که نیاز به واسطه سنتی را کاهش می‌دهد. همچنین رقابت با مراجع جدید مثل اینفلوئنسرها، سلبریتی‌ها، شبکه‌های اجتماعی و نهادهای رسمی و نیز کاهش نسبی سرمایه اعتماد در میان نسل جوان و طبقات متوسط شهری، نشانه‌ها و نمونه‌های این تضعیف موقعیت می‌باشند. این کاهش اگر چه در محیط‌های سنتی کمتر و در فضاهای شهری بیشتر مشهود است اما کلیت آن قابل انکار نیست.

عوامل مؤثر

تحلیل‌های موجود، عوامل این تضعیف موقعیت اجتماعی روحانیت را در سه سطح مردم، ساختار اجتماعی و خود روحانیت بررسی می‌کنند. عوامل بیرونی اغلب سهم بیشتری (حدود ۶۰ درصد در برخی برآوردها) دارند. پیوند نزدیک با قدرت سیاسی پس از انقلاب اسلامی یکی از مهمترین عوامل بیرونی این پدیده به شمار می‌رود. تبدیل نهاد مدنی مستقل به نهاد سیاسی-حکومتی، بی‌طرفی تاریخی را تضعیف کرد، حب و بغض‌های سیاسی را به روحانیت تسری داد و سرمایه نمادین را کاهش داد. البته در کنار این عامل، تحولات پرشتاب دنیای مدرن را نیز نباید نادیده گرفتن. سکولاریزاسیون خاموش، فردگرایی، افزایش تحصیلات عالی، دسترسی آزاد به اطلاعات، جهانی‌شدن فرهنگی، تغییر بافت محلات سنتی و ظهور دینداری‌های جدید، به صورت طبیعی برخی از نقش‌های سنتی طبیعی را تضعیف کرده است. چنان که گسترش نهادهای رسمی قضایی، مشاوره‌ای، خیریه دولتی و ظهور گروه‌های مرجع جدید و نیز جایگزینی ارتباطات چهره‌به‌چهره با ارتباطات غیرمستقیم، ساده‌سازی پیام‌ها و تصویرسازی منفی سازمان‌یافته یا خودجوش هم در این امر دخالت مستقیم دارند.

با این حال عوامل درونی و عملکردی روحانیت نیز در این امر بی‌تأثیر نبوده است. از جمله این که نظام آموزشی سنتی حوزه که کمتر به مهارت‌های ارتباطی، روانشناسی کاربردی، مسائل اقتصادی-اجتماعی روز و زبان نسل جدید پاسخ می‌دهد و نیز فاصله سبک زندگی برخی روحانیون از مردم (عدم رعایت کامل زی طلبگی)، پدیده آقازادگی و موارد فساد یا تصویرسازی منفی، به این کاهش موقعیت شتاب بخشیده است. چنان که ضعف در نقد درون‌گفتمانی، اصرار بر تک‌صدایی و کاهش حضور واقعی و همدلانه در محلات و ناکارآمدی نسبی در تبلیغ مسئله‌محور و پاسخگویی به نیازهای معاصر، نیز باعث شده روحانیت در برخی حوزه‌ها از نقش ملجأ بودن فاصله بگیرد.

ضرورت بازیابی

با وضعی که جامعه امروز ایران سپری می‌کند، بازیابی مرجعیت اجتماعی صرفاً برای حفظ جایگاه نهادی نیست بلکه در این شرایط، خلأ مرجعیت اخلاقی و میانجی‌گری می‌تواند توسط عناصر سطحی، سودجو یا ایدئولوژی‌های ناپایدار و حتی خرافی پر شود. این درحالی است که روحانیت با سرمایه تاریخی خود هنوز ظرفیت ایفای نقش مثبت در حل بحران‌های خانوادگی، اخلاقی، هویتی و انسجام اجتماعی را دارد. این بازیابی به تقویت سرمایه اجتماعی کل جامعه و جلوگیری از افراط و تفریط در دین‌داری کمک می‌کند. بدون آن، خطر «جایگزینی اجتماعی» جدی است.

راهکارهای بازیابی

روشن است که با توجه به عوامل کاهش ملجئیت اجتماعی روحانیت، بازیابی آن مستلزم اصلاح ساختاری و عملکردی همزمان است و نمی‌تواند صرفاً تبلیغاتی باشد. برخی از راهکارهای آن به قرار زیر می‌تواند باشد.

۱. بازسازی استقلال نسبی و نقش مدنی مستقل. تمرکز بر خدمات اجتماعی غیرحکومتی و بی‌طرف- میانجی‌گری اختلافات، مشاوره خانواده، حمایت از محرومان و فعالیت‌های خیریه مستقل. حفظ فاصله انتقادی سالم از قدرت سیاسی برای بازیافت بی‌طرفی تاریخی.

۲. اصلاح عمیق نظام آموزشی و تربیتی حوزه شامل افزودن مهارت‌های ارتباطی، روانشناسی کاربردی، اقتصاد، جامعه‌شناسی و مسائل مستحدثه، تقویت ساده‌زیستی واقعی، شفافیت مالی و مبارزه جدی با پدیده‌هایی مانند آقازادگی و پذیرش چندصدایی سالم درون نهاد به جای اصرار بر یکپارچگی مصنوعی (که خود عامل تضعیف بوده است).

۳. حضور واقعی و مسئله‌محور در میان مردم از قبیل زیستن در محلات، شنیدن دردهای روزمره، پاسخگویی عملی به جای سخنرانی کلی و احیای نقش مساجد به عنوان پایگاه‌های خدمت و گفتگو.

۴. استفاده هوشمند و عمیق از رسانه‌ها مثل تولید محتوای عمیق اما قابل‌فهم، تعامل دوسویه و مدیریت تصویر بدون سطحی‌گرایی. مقابله فعال با کلیشه‌های منفی.

۵. تقویت سرمایه نمادین از طریق عمل و اخلاق عملی در قالب خدمت خالصانه، الگوی زیست مؤمنانه و همکاری با متخصصان غیرروحانی در حوزه‌های مشترک و امتداد اجتماعی اندیشه‌های دینی در زندگی روزمره مردم.

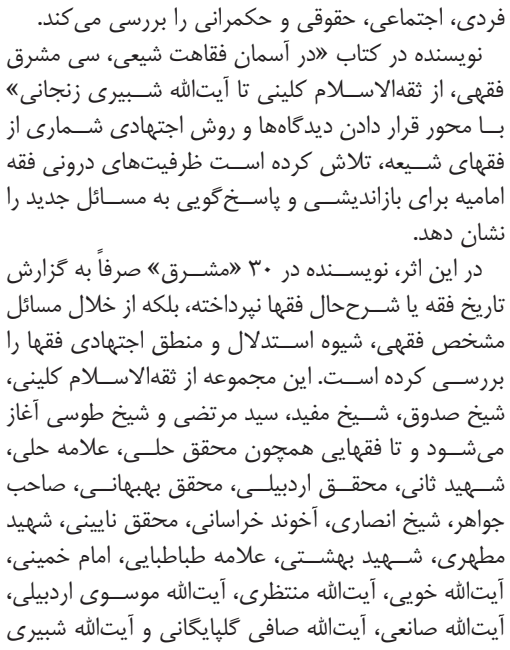
۶. توجه به نسل جدید و تکثر دینداری از طریق گفت‌وگو با زبان نسل جدید، پذیرش برخی اشکال سالم دینداری نوین و پرهیز از طردگرایی و نیز بازمعماری تشکیلاتی حوزه برای پاسخگویی به مطالبات اجتماعی معاصر.

نتیجه آن که مرجعیت اجتماعی روحانیت محصول تاریخی استقلال نسبی، نزدیکی به مردم، خدمت و اخلاق عملی بوده است. تضعیف آن محصول ترکیبی از تحولات اجتناب‌ناپذیر مدرن و عوامل قابل‌مدیریت سیاسی-عملکردی است. بازگشت کامل به گذشته ممکن نیست، اما بازتعریف نقش براساس اصول تاریخی مثل استقلال نسبی، ملجئیت واقعی، مسئله‌محوری و شفافیت، می‌تواند سرمایه اجتماعی را بازسازی کند. موفقیت در این مسیر بیش از هر چیز به اراده درونی نهاد روحانیت برای اصلاح ساختاری و بازگشت به نقش مدنی بستگی دارد. این بازیابی نه تنها به نفع روحانیت، بلکه به سود انسجام اخلاقی و سلامت اجتماعی جامعه خواهد بود.

معرفی کتاب

«در آسمان فقاهت شیعی»

بازخوانی سی مشرق از پویایی و ظرفیت اجتهاد شیعی



کتاب «در آسمان فقاهت شیعی، سی مشرق فقهی، از ثقه‌الاسلام کلینی تا حضرت آیت‌الله شبیری زنجانی» تازه‌ترین اثر استاد سیدضیاء مرتضوی است که در مرداد ۱۴۰۵ در ۹۷۶ صفحه انتشارات بوستان کتاب آن را منتشر کرده است. این اثر با بررسی ۳۰ پژوهش فقهی درباره دیدگاه و روش اجتهادی ۲۷ فقیه شیعه، نمونه‌هایی از تحول، توسعه و پویایی فقه امامیه در مواجهه با مسائل فردی، اجتماعی، حقوقی و حکمرانی را بررسی می‌کند.

نویسنده در کتاب «در آسمان فقاهت شیعی، سی مشرق فقهی، از ثقه‌الاسلام کلینی تا آیت‌الله شبیری زنجانی» با محور قرار دادن دیدگاه‌ها و روش اجتهادی شماری از فقهای شیعه، تلاش کرده است ظرفیت‌های درونی فقه امامیه برای بازاندیشی و پاسخ‌گویی به مسائل جدید را نشان دهد.

در این اثر، نویسنده در ۳۰ «مشرق» صرفاً به گزارش تاریخ فقه یا شرح‌حال فقها نپرداخته، بلکه از خلال مسائل مشخص فقهی، شیوه استدلال و منطق اجتهادی فقها را بررسی کرده است. این مجموعه از ثقه‌الاسلام کلینی، شیخ صدوق، شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی آغاز می‌شود و تا فقهایی همچون محقق حلی، علامه حلی، شهید ثانی، محقق اردبیلی، محقق بهبهانی، صاحب جواهر، شیخ انصاری، آخوند خراسانی، محقق نایینی، شهید مطهری، شهید بهشتی، علامه طباطبایی، امام خمینی، آیت‌الله خویی، آیت‌الله منتظری، آیت‌الله موسوی اردبیلی، آیت‌الله صانعی، آیت‌الله صافی گلپایگانی و آیت‌الله شبیری زنجانی ادامه می‌یابد.

موضوعات کتاب طیفی از مسائل فقه سیاسی و قضایی، حقوقی و اجتماعی تا خانواده و مسائل فردی را دربرمی‌گیرد، از جمله شئون سیاسی و قضایی فقیه، قضاوت زنان، مشارکت اقلیت‌های دینی در اداره جامعه، مرجعیت تخصصی، اختیارات دولت اسلامی، معاملات، تعزیرات حکومتی، امر به معروف و نهی از منکر، احتیاط، علم قاضی و حکم نگاه زن به مرد نامحرم.

یکی از محورهای مورد تأکید کتاب، نقش موضوع‌شناسی و واقع‌بینی در فرآیند اجتهاد است. همچنین نویسنده در مباحث مربوط به امام خمینی، شهید مطهری و آیت‌الله صانعی، نمونه‌هایی از پویایی اجتهاد و بازخوانی مسائل فقه معاصر را بررسی کرده است. آخرین «مشرق» نیز به دیدگاه آیت‌الله شبیری زنجانی درباره توسعه در جواز نگاه زن به مرد بیگانه اختصاص دارد.

در معرفی کتاب آمده است که بخش عمده این پژوهش‌ها طی حدود ۳۰ سال و در مناسبت‌های مختلف نوشته شده و در تدوین نهایی بازنگری، بازنویسی و تکمیل شده‌اند. بر این اساس، اثر حاضر در پی ارائه تصویری از فقه شیعه به‌عنوان سنتی اجتهادی است که در عین وفاداری به منابع و روش فقاهت، امکان مواجهه با مسائل و موضوعات متحول را دنبال می‌کند.

نکات کلیدی کتاب

* بررسی سی مسئله فقهی در پرتو دیدگاه ۲۷ فقیه برجسته شیعه
* بازخوانی تاریخ فقه از کلینی تا آیت‌الله شبیری زنجانی
* تمرکز بر «روش اجتهاد» در کنار «نتیجه فقهی»
* تأکید بر پویایی و ظرفیت توسعه در فقه امامیه
* توجه ویژه به موضوع شناسی و واقع‌بینی در فرآیند اجتهاد
* بررسی مسائل فقه سیاسی، قضایی، اجتماعی، حقوقی و خانواده در کنار مسائل عبادی و فردی
* بازخوانی نسبت فقه با مسائل حکومت، قانون، اقلیت‌های دینی و نظام اجتماعی
* بررسی نمونه‌هایی از نوآوری فقهی در آرای فقهای کلاسیک و معاصر
* ارائه نمونه‌هایی از امکان بازاندیشی در احکام اجتماعی و حقوقی
* پایان دادن این منظومه با بررسی دیدگاه آیت‌الله شبیری زنجانی درباره حکم نگاه زن به مرد نامحرم